

تفسیر

سوره لقمان



آیه الله مشکینی

الم، تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

سوره لقمان از سوره مکیه است (که در مکه نازل شده) و دارای ۳۴ آیه می باشد.
الم = این از ویژگیهای قرآن است که در اول بعضی از سوره هایش حروف مقطعه وجود دارد مانند الم، الر، حم، حمرسق، که بعضی وو... و کسی نمی تواند حقیقت این حروف را بداند زیرا از مشابهات قرآن است.

آیات محکمت و آیات مشابهات

در آیه هفتم از سوره آل عمران می فرماید: «هُوَ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ وَأُخْرٌ مُتَشَابِهَاتٌ» او همان خدائی است که بر تو کتاب را نازل کرد که برخی از آیات این کتاب، محکمت است و برخی مشابهات.

محکمت: اگر کسی زبان عربی را بداند، می فهمد معنای محکم چیست. محکمت: الفاظ و عباراتی است که مفهومش خیلی روشن و واضح است مانند آیات احکام. مثلاً آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (ای کسانی که ایمان آورده اید نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید) هیچ ابهامی در این آیه دیده نمی شود، و هر کس که مقداری با زبان عربی آشنائی داشته باشد، معنای آیه را می تواند درک کند.

همانطوری که ملاحظه می شود، از این شماره تفسیر سوره لقمان که در عین حال بخش مهمی از آن مربوط به اخلاق است، بجای بحث «اخلاق در اسلام» تقدیم خوانندگان عزیز می شود.

پاسدار اسلام ضمن تشکر از ادامه محبت آیه الله مشکینی، توفیق امت پاسدار اسلام را در استفاده از این بحث قرآنی خواستار است.

پاسدار اسلام

مشابهات: عبارتهائی است که معنای آن حتی برای عربی زبان نیز مجهول می باشد. و با دقت زیاد و رجوع به آیات دیگر قرآن و استفاده از سخنان معصومین «ع» می توان برخی از آنها را فهمید. و این نظیر معما است که انسان با فکر زیاد گاهی می تواند آن را بگشاید و گاهی هم نمی تواند آن را کشف نماید.

حروف مقطعه

درباره حروف مقطعه قرآن، مفسرین مطالب زیادی نقل کرده اند که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

۱- این حروف رمزی است بین خدا و پیامبرش و کسی جز پیامبر از آن سردر نمی آورد. حتی گفته اند شاید جبرئیل امین نیز که قرآن را بر پیامبر خوانده است، نمی دانسته مقصود از این حروف چیست؟

۲- برخی می گویند: پیامبر گرامی «ص» هنگامی که قرآن را برای اهل مکه می خواندند، با اینکه آیات خجلی جالب و جذاب بود، با این حال به پیامبر گوش نمی دادند. از این روی پیامبر گرامی بدستور خداوند برای اینکه آنها را مبہوت کند و افکارشان را به خود متوجه سازد، یک مرتبه می فرمود: الف، لام، میم... آنها با شنیدن این حرفها، ناگهان متوجه حضرت می شدند، آنگاه حضرت شروع می فرمود به ادامه مطلب... تلك آیات الكتاب الحكيم، هدی ورحمة للمحسنین. این هم احتمال دوم است.

۳- احتمال دیگری که می دهند و بنظر جالب تر می آید این است که قرآن با تکرار چند حرف در اول بعضی از سوره ها گویا می خواهد بفرماید: این کتاب معجزآسا را با همین حروف تهجی ساخته ایم. حال ای جهانیان همه جمع شوید و ای موجودات پیدا و ناپیدا با هم جلسه بگیرید و با همین حروف معمولی که مواد اولیه هر سخنی و نوشته ای است، یک سوره از سوره های این قرآن را درست کنید.

آری! شما که به رسالت شک می ورزید و خدا را تکذیب می کنید، به این قرآن بنگرید، چیزی جز همان حرفهای «الف - با» که همه می دانید و با آنها نطق می کنید و می نویسید نیست، پس بیائید دست بدست هم بدهید و افکار و اندیشه های خود را روی هم بریزید و با همین حروف «الف - با» یک سوره کوچک بساوید که از نظر بلاغت و فصاحت مانند سوره های قرآن باشد؛ ولی نمی توانید و نخواهید توانست «قُلْ لَیْسَ اجْتَمَعَتْ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰی اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ، لَا یَاتُوْنَ بِمِثْلِهِ وَّلَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیْرًا» (سوره اسراء، آیه ۸۸) بگو ای پیامبر! اگر تمام انسانها و اجنه (موجودات پیدا و ناپیدا) جمع شوند برای اینکه مانند این

قرآن را بساوید، نخواهند توانست و لو اینکه با یکدیگر همکاری و همیاری داشته باشند.

«تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ»
آن آیه های کتاب محکم است.

«تلك» در واژه عربی اشاره به دور است. بدون شک این کلمه اشاره به همان عبارتها و جمله هائی است که پس از آن می آید. بنابراین سؤالی که اینجا پیش می آید: چرا «تلك» گفت و «هذه» نگفت؟ یا اینکه تلك اشاره به دور است و در اینجا که خود آیات آورده شده، اشاره به نزدیک شاید از نظر ظاهر صحیح تر باشد ولی چون آیه قرآن است و از سوی خداوند تبارک و تعالی است، پس لابد حکمتی در کلمه «تلك» بوده است که «هذه» نگفته و «تلك» گفته است. عبارتهای قرآن که همه جلوی چشم ما است و به ما نزدیک است، پس چرا اشاره به دور آمده است؟

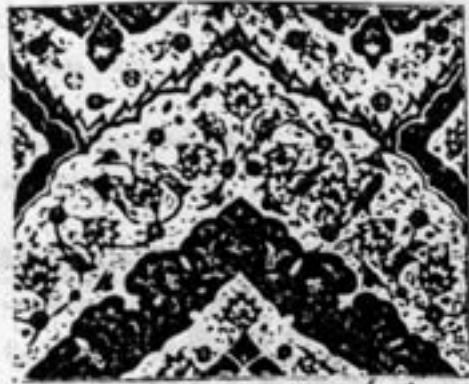
علماء در اینجا نکته ای را در باب تفسیر بیان می کنند و می گویند: مراد از این دوری، دوری از افق استعداد بشر است، یعنی این عبارتهای قرآنی که جلوی چشم شما است و شما آنها را نمی خوانید، از حیثه قدرت شما بدور است و به هیچ نحو شما توان ساختن یک سوره اش و سرودن یک سطرش را ندارید. بنابراین، این عبارات گرچه به دید شما نزدیک است ولی از شعاع قدرت و محیط فکر شما دور است.

عصر فصاحت و بلاغت

همانگونه که ملاحظه کردیم، خدای متعال با یک کلمه «تلك» مطلب بسیار مهمتی را گوشزد می کند و آن همه سخن سرایان و شاعران بسیار مقتدر زمان پیامبر «ص» را به تحدی و مبارزه می طلبد که هان! اگر راست می گوئید، یک آیه مانند این قرآن را بساوید و ولی نخواهید توانست.

طبق روایات و تاریخ، عصر پیامبر اکرم «ص» عصر فصاحت و بلاغت^۱ بود و آنقدر ذوق شعری و ادبی در بین مردم رواج داشت که از شعر شاعران خیال پرداز و با ذوق، لذت می بردند و بهمین مناسبت، قصیده ها و چکامه های بسیار زیبا را گرداگرد کعبه آویزان می کردند و مردم گروه، گروه می آمدند، می خواندند و حفظ می کردند. و لذا هفت قصیده جالب هفت شاعر زبردست آن زمان به نام «مَعْلَقَاتِ سَبْعِ» معروف است که بر دیوارهای کعبه آویزان شده بود.

در چنین دورانی، پیامبر اکرم (ص)، مأمور می شود که چند آیه از قرآن را دستور دهد بنویسند و بر دیوار کعبه کنار همان معلمات آویزان کنند:



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

روز بعد که مردم برای دیدن و خواندن اشعار دور کعبه جمع شدند، چشمها به این تابلو دوخته شد: شگفتا؟ این نه شعر است که نامش را شعر بگذاریم و نه مانند نثرهای معمولی است! ولی هر چه هست، دل را می رباید، جلوه دارد، کمال دارد و عبارتش بسیار متین و از نظر محتوا ارجمند و محکم است. این چه جمله فصیح و بلیغی است که در عین کوتاهی، مطالب تازه دارد، خدای را به نام «رحمن» و «رحیم» نامیده است و این اولین بار است که چنین کلمه ای در مکه به چشم می خورد.

پس از بسم الله، چه جمله زیبا و جالبی! «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» این جمله علاوه بر فصاحت و بلاغت، محتوایش فوق العاده عالی و معنایش عمیق است. اینجا دیگر سخن از وصف اسب تازی فلان رئیس قبیله یا تعریف قیافه محبوبه فلان شاعر یا توصیف انگشتان حنازده فلان دختر در هنگام رمی جمرات نیست! اینجا هر چه ستایش است از الله است که جهانیان را خلق کرده و پرورش می دهد و به کمال می رساند.

گویا این آیه می خواهد به امره القیس و دیگر شاعران زبردست عصر جاهلیت بگوید: اگر سخن زیبای شما در تعریف یک موجود ناقص و موقتی است، فصاحت و بلاغت قرآن را ببینید که از خدا تعریف می کند که پروردگار جهانیان است و هر ناقصی را به سوی کمال حرکت و سوق می دهد.

وقتی که این آیات در مقابل معلقات سبع قرار گرفت، بینندگان خواندند و تعجب کردند و دیگر بار خواندند و هر چه بیشتر می خواندند، بیشتری به معنی برده و از بلاغت آنها لذت بیشتری می بردند. فردا که مردم دوباره گرد آمدند دیدند اصحاب معلقات، شعرهای خود را برداشته و برده اند چون دیدند در مقابل این آیات توان مقاومت را ندارند:

بإرم جوفلح بدست گیرد بازار بستان شکست گیرد

در تاریخ آمده است: سه نفر از شعرا و ادیبان بنام جاهلیت، پس از نزول قرآن با هم نشستند و تبانی کردند که هر یک در ضمن چند هفته یا چند ماه سوره ای را بسازد و در وقت معین جمع شوند

و سوره ها را در برابر قرآن ارائه دهند. خلاصه هر سه رفتند و مشغول کار شدند و پس از رسیدن موقعی که قرار داده بودند، هر یک به صورت دیگری نگاه کرده می پرسد: آقا! شما نوشتید؟ نه! من متأسفانه نتوانستم! آن دیگری می گوید: من خواستم شروع به کار کنم، قرآن را باز کردم، به این آیه برخورد کردم: «وَجَعَلْنَا لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ السُّبْحِ الْكُذِبَ أَنْ لَهُمُ الْحُسْنَى» (نمل - آیه ۱۲) (و این مشرکان به خدا نسبت دروغ می دهند در آنچه خود نمی پسندند) آنقدر این آیه از فصاحت و بلاغت و عظمت برخوردار بود که دیگر نه توان مقابله و نه جرأت آن را برای خود دیدم. و شخص سوم نیز مبهوت یکی دیگر از آیات شده بود که از جواب دادن عاجز و ناتوان شده بود.

چهار نام برای قرآن

در دنبال آیه می خوانیم: «... آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ، هُدًى وَرَحْمَةً...» اینها آیه های قرآن است.

در این آیه کوتاه چهار نام برای قرآن ذکر شده است:
 ۱- کتاب ۲- حکیم ۳- هدی ۴- رحمه. البته این چهار اسم از نامهای غیر مشهور قرآن است، زیرا قرآن دو نام مشهور دارد:
 ۱- قرآن ۲- فرقان.

قرآن به معنای خواندنی و فرقان به معنای جدا کننده است. حال این چهار نام دیگر قرآن را بررسی می کنیم.

کتاب: نوشته شده

حکیم: محکم و مستحکم

هدی: سر تا پا هدایت

رحمه: سر تا پا رحمت و احسان

کتاب

کتاب مصدر است به معنای اسم مفعول یعنی مکتوب (نوشته شده). البته این کلمه برای ما خیلی روشن است چرا که می بینیم امروز قرآن نوشته شده است ولی هنگامی که این آیه نازل شده بود و پیامبر در آن وقت هنوز در مکه بودند و تمام قرآن نوشته نشده بود و اصلاً نوشتی در کار نبود، پیامبر آیه ها را می خواندند و مردم هم با آن حافظه قوی و علاقه ای که داشتند، به یاد خود می سپردند. پس چگونه در آن زمان این کتاب نوشته شده است؟

برخی از مفسرین پاسخ می دهند که گرچه قرآن بالفعل نوشته نشده بود ولی بالقوه، اطلاق نوشته شده بر آن درست است. مثلاً اگر دو درخت در یک باغی موجود است، یکی درخت سه ساله و دیگری درخت یکساله است آن که سه ساله است بالفعل

حکیم

حکیم به معنای محکم و مستحکم است ولذا عرب به آن لجامی که از آهن بر دهان اسب زده می شود، حَکَمَه می گوید، چون محکم کشیده می شود و اسب را نگه می دارد. پس حکیم به معنای مستحکم است یعنی چکش خور ندارد.

این کتاب حکیم است، یعنی نه تنها الفاظش آسیب پذیر نیست بلکه محتوا و معنایش نیز محکم است و آسیب پذیر نمی باشد. در این کتاب تحریف راه ندارد. آری! این کتاب الهی که در دست ما است نه یک کلمه بر آن اضافه شده و نه کلمه ای از آن کسر شده است. پس مطالب این کتاب آنچنان محکم است و از مستقلات عقلیه می باشد که به هیچ نحو آسیب پذیر نیست. در قرآن می فرماید: «وَلَوْ كَانُ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (سوره نساء - آیه ۸۲) این کتاب اگر از سوی کسی غیر از خداوند بود، در آن اختلاف و اشکال زیادی پیدا می کردند. اگر دقت کنید می بینید هر متخصص و هر دانشمند بزرگی که کتاب می نویسد، هر قدر هم زحمت کشیده باشد، هزاران اشکال بر او می شود گرفت، مگر قرآن که راهی برای باطل در آن نیست «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ».

۱- فصاحت: عبارت از زیبا سخن گفتن است. بلاغت: عبارت از به موقع سخن گفتن است. پس اگر جمله ای هم از نظر انتخاب واژه ها زیبا و جالب بود و هم سخن به جا و به موقع بود، آن را فصیح و بلیغ می نامند.

میوه دارد و آن دیگری که میوه ندارد، باز هم ممکن است کسی بگوید این درخت مشمر و میوه ده است زیرا بالقوه امکان میوه دادن در یکسال بعد را دارد. بنابراین، اطلاق کردن اسم کتاب به این جهت که در آینده قرآن نوشته می شود، درست است.

ولی اگر به خود قرآن بنگریم، می بینیم در آیه ۲۲ از سوره بروج می فرماید: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» این قرآن مجید است که در لوح محفوظ، تدوین و نوشته شده است.

پس معلوم می شود قرآن قبل از اینکه در صحنه انسانها و بر قلب شریف پیامبر نازل شود بلکه قبل از اینکه پیامبر گرامی به نبوت مبعوث گردد، و قبل از خلقت انسان، نوشته شده بوده و فرشته ها از آن اطلاع داشتند.

در سوره «الرحمن» می خوانیم: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ» خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود، آن گاه انسان را آفرید یعنی خداوند قرآن را به فرشته ها یاد داد و پس از آن به مدتی، انسان را خلق کرد. ولذا وقتی جبرئیل، در اولین بار بر پیامبر وارد می شود به او می گوید: بخوان؛ معلوم می شود نوشته شده ای را از آن حضرت می خواهد که بخواند.

در آیه ای دیگر می خوانیم: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» پیامبر! این قرآن را روح الامین بتدریج بر قلب تو آورد و به تو خبر داد که از انداز کنندگان باشی. پس در آن وقت که قرآن نازل شده است، در لوح محفوظ نوشته شده بوده است.

از مجله: فرانکفورتر آگمانیه (آلمان)

● تعداد مسلمانان جهان با مسیحیان برابر شده است

دین اسلام در طول پنجاه سال گذشته از تمامی ادیان جهانی دیگر گستردگی بیشتری را نشان می دهد. تعداد معتقدین به این دین در طول این مدت زمان حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است یعنی از تعداد ۲۰۰ میلیون نفر در پنجاه سال پیش به حدود یک میلیارد نفر افزایش پیدا کرده است. بنابراین در حال حاضر تعداد مسلمانان جهان برابر با تعداد مسیحیان جهان می باشد. این اطلاعات را بهر حال موسسه پژوهشی برای خاورمیانه در لندن مورد بررسی قرار داده است. دین مسیحیت توانسته است از سال ۱۹۴۳ تا کنون رشد آماری معادل با ۴۷ درصد را بدست آورد. در مقام سوم آمار جهانی ادیان معتقدین به دین هندو با جمعیتی معادل ۵۰۰ میلیون نفر قرار گرفته اند و رشدی معادل ۱۱۷ درصد را نشان می دهند. بعد از آنها پیروان دین بودا با جمعیتی معادل ۲۴۵ میلیون نفر قرار دارند. دین یهودیت در طول این مدت زمان پنجاه ساله تعداد ۴ درصد از پیروان خود را از دست داده است. در حال حاضر تنها تعداد پانزده میلیون یهودی در جهان وجود دارند.

(به نقل از بولتن بررسی مطبوعات جهان وزارت ارشاد اسلامی)

